نگاه دولتی

برای هفت سالگی «پایگاه خبری فیلم کوتاه»

آینه‌ای برای انعکاس

مرجان ریاحی

■ در ابتدای دهه ۱۳۸۰ علاقه حیرت‌انگیز جوانان ایرانی به فیلمسازی با ورود تکنولوژی جدید تصویر و تدوین همزمان شد و نشریات آن دوره تعبیر «توفان دیجیتال» را برای این موج جدید برگزیدند. حاصل آن توفان صدها فیلم کوتاه و مستند و داستانی و تجربی بود که به مدد تکنولوژی دیجیتال با هزینه‌ای به مراتب اندک‌تر از قبل ساخته می‌شدند؛ این پویایی در تولید دوران طلایی جشنواره‌های فیلم‌های مستند و کوتاه را به همراه آورد و این آثار به غیر از اینکه مجال شرکت در جشنواره‌های رسمی و دولتی مانند فجر، فیلم کوتاه تهران و... را داشتند؛ با حضور در جشنواره‌های مستقل یا خصوصی مانند مستند کیش، جشنواره فروغ، جشنواره فیلم‌های ایرانی دبی، جشنواره باران و ده‌ها هفته فیلم یا جشنواره‌هایی که توسط کمپانی‌های تجاری راه‌اندازی شده بود مانند جشنواره سونی هم مجال دیده شدن می‌یافتند و هم با تقدیر مادی و معنوی از آثارشان تشویق به ساخت اثر بعدی می‌شدند. این‌گونه بود که ده‌ها چهره جدید وارد فضای سینمای ایران شدند و بخشی از آنچه به شکل رسمی به عنوان نسل جدید سینمای ایران خوانده می‌شوند، از میان این سینماگران بیرون آمدند. در چنین فضایی، نیاز به تاسیس یک رسانه تخصصی برای انعکاس اخبار و رویدادهای مربوط به حوزه سینمای مستند و کوتاه احساس می‌شد. «پایگاه خبری فیلم کوتاه» مولود چنین نیازی بود. نگاه رسمی هنوز این جریان را به رسمیت نشناخته بود و ضعف در انعکاس رویدادهای مربوط به حوزه فیلم کوتاه و مستند مشهود بود. دهم مهر ۱۳۸۳ «پایگاه خبری فیلم کوتاه» به شکل رسمی و به صورت مستقل فعالیتش را آغاز کرد. آن هم در فضای مجازی اینترنت. شاید کمی دور از ذهن باشد، اما هفت سال پیش تقریبا چیزی به اسم اینترنت پرسرعت وجود نداشت. اگر هم بود، کاربران خانگی چندان به آن دسترسی نداشتند. دوره کارت‌های اینترنتی ساعتی بود و کسانی که بیشتر دغدغه اینترنت داشتند، اکانت ماهانه اینترنت «دایل آپ» داشتند. در حوزه رسانه‌های سینمایی اینترنتی تلاش‌هایی شده بود؛ تلاش‌هایی در خور تقدیر، اما ناتمام. سایت‌های سینمایی مهمی که از ابتدای دهه ۸۰ راه‌اندازی شده بودند، فعالیت‌شان متوقف مانده بود. آنچه بیش از هرچیز مانع از پیشرفت این سایت‌ها بود –و البته هنوز هست- چیرگی نگاه سنتی بنگاه‌ها و موسسات تجاری بود. هر رسانه مستقل که در بخش خصوصی فعالیت می‌کند و نمی‌خواهد به نهادهای دولتی و شبه‌دولتی وصل باشد، برای بقا نیاز به درآمدزایی دارد. از آنجا که یک رسانه اینترنتی عمومی نمی‌تواند بابت بازدید مخاطبانش از آنها پول دریافت کند، اصلی‌ترین دریچه برای کسب درآمد جذب آگهی است. اما در آن سال‌ها –و البته همچنان- شرکت‌های تجاری حاضرند پول گزافی بابت درج آگهی در یک شماره از یک نشریه مکتوب بپردازند و مبلغ کمتری را صرف تبلیغ در رسانه‌های مجازی نکنند. این چالش بزرگ بر سر راه «پایگاه خبری فیلم کوتاه» و هر رسانه مستقل دیگری بوده و هست. اما دلبستگی شخصی و اعتقاد به مسیری که آغاز شده بود، باعث شد این پایگاه با اتکا به سرمایه‌های شخصی بماند و پس از مدتی به ثبات برسد. به خصوص که یک سال پس از راه‌اندازی، گروه گرداننده تصمیم گرفتند بخش انگلیسی پایگاه را هم راه‌اندازی کنند. به این ترتیب این رسانه نه تنها نخستین شبکه خبری سینمای مستند و فیلم کوتاه در ایران بود، بلکه با راه‌اندازی وب‌سایت انگلیسی، به‌عنوان نخستین رسانه فعال در حوزه فیلم کوتاه و مستند آسیا هم شناخته شد. این‌گونه بود که اخبار رویدادهای داخلی و خارجی مرتبط با سینمای مستند و کوتاه در اختیار مخاطبانی پرشمارتر قرار گرفت. پایگاه علاوه بر آنکه فراخوان دریافت فیلم این جشنواره‌ها را در اختیار فیلمسازان داخلی و خارجی قرار داد، بلکه پوشش خبری جشنواره‌های مهم فیلم کوتاه و مستند داخلی و خارجی به خصوص در کشورهای آسیایی را نیز آغاز کرد. خوشبختانه این تلاش‌ها برای اعتلای سینمای کوتاه و مستند ایران بی‌ثمر نماند و «پایگاه خبری فیلم کوتاه» توانست عنوان رسانه برتر را از چهار جشنواره دریافت کند؛ اکنون حدود یک دهه از آغاز توفان دیجیتال و هفت سال از آغاز فعالیت «پایگاه خبری فیلم کوتاه» می‌گذرد. آن توفان ظاهرا آرام شده و سینمای مستقل ایران دوران رکود را می‌گذراند. عصر طلایی جشنواره‌های مستقل هم به پایان رسیده. برخی مدیریت‌ها چنان بر این رکود دامن زده که عده‌ای حتی خواستار انحلال انجمن سینمای جوانان ایران می‌شوند. اما مهم این است که هنوز شور تجربه کردن ادامه دارد و جوانانی برای بیان دغدغه‌ها و عقاید شخصی خود درباره انسان و جامعه و سایر پدیده‌های بشری پشت دوربین می‌ایستند تا ذهنیت‌های خود را به زبان هنر و به شیوه خلاقه با دیگران تقسیم کنند. محدودیت‌های زیادی در برابر آنهاست و همواره عده‌ای دوست ندارند به این دیدگاه‌های مستقل مجال دیده شدن بدهند، اما این جوانان همچنان ایستاده‌اند و کارشان را می‌کنند. از بی‌مهری‌ها نمی‌ترسند و فارغ از باید و نبایدها تجربه می‌کنند. تا وقتی این شور و شوق هست، باید ماند و آینه‌ای بود برای انعکاس آنچه جریان دارد.

سرو نقره‌ای

نمایشگاهی در آشفتگی بی‌ینال‌های هنری

زهرا توسلی: انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران در حالی از ۱۳ آبان نمایشگاه دوم خود با نام سرو نقره‌ای را در گالری‌های خانه هنرمندان برگزار می‌کند که تنها تفاوت دوره اول با دوم این نمایشگاه، زمان ایجاد اثر است. این نمایشگاه مروری است بر آثار یک سال فعالیت اعضای انجمن گرافیک ایران. این نمایشگاه به گفته کیانوش غریب‌پور، دبیر برگزاری نمایشگاه سرو نقره‌ای، اتفاقی برای همه اهالی گرافیک ایران است و برگزارکنندگان آن امیدوارند در طراحی گرافیک ایران تاثیرگذار باشند. انجمن طراحان گرافیک به عنوان قدیمی‌ترین انجمن صنفی در حوزه هنرهای تجسمی محسوب می‌شود. به گفته ساعد مشکی از اعضای انجمن، این نمایشگاه با داشتن هزار و سه نفر، سومین انجمن گرافیک دنیا محسوب می‌شود. این گرافیست روز گذشته در نشستی خبری با حضور کیانوش غریب پور، دلیل شکل‌گیری سرو نقره‌ای را «آشفتگی در برگزاری بی‌ینال‌ها در کشور» عنوان کرد و گفت که با ریاست فرشید مثقالی و تغییر هیات مدیره در انجمن تصمیم گرفتیم این نمایشگاه را به طور مستقل با همکاری اعضای انجمن برگزار کنیم. مساله مهمی که در این نشست خبری مورد بررسی قرار گرفت، تاثیر انجمن طراحان گرافیک ایران در گرافیک شهری و ارتقای سطح آن است. ساعد مشکی در پاسخ به این مساله گفت: «مدیران شهری در این مورد با انجمن مشورت نمی‌کنند.» او در این نشست آمادگی انجمن را برای ارتقای گرافیک شهری اعلام کرد. غریب‌پور هم ضمن انتقاد به مدیران شهری، از آنها خواست که برای این منظور از تیم‌های شایسته هنرمندان گرافیک استفاده کنند. آثار این نمایشگاه توسط پریسا تشکری، علی رشیدی، مجید عباسی، وحید عرفانیان و آریا کسایی مورد داوری قرار گرفته است. به گفته ساعد مشکی کیفیت آثار نسبت به سال گذشته تفاوت چندانی ندارد. داوران از میان هزار و ۷۰۰ اثر رسیده، ۵۱۵ اثر را انتخاب کردند که از میان ۲۷۹ نفر اعضای شرکت‌کننده انجمن، دو نفر برای حفظ کیفیت نمایشگاه و حفظ ماهیت انجمن حذف شدند. غریب پور گفت که ابتدا ۲۰ موضوع را برای شرکت در نمایشگاه در نظر داشتیم؛ اما بعد از بررسی آثار به ۱۶ موضوع تقلیل پیدا کرد. نمایشگاه سرو نقره‌ای تا ۲۶ آبان ماه امسال برپا خواهد بود و جوایز آن در روز ۲۵ آبان (اختتامیه نمایشگاه) اهدا خواهد شد. اما جایزه‌های دیگری هم در این نمایشگاه برای مدیر هنری برگزیده ، سفارش‌دهنده برتر و پوستر منتخب در نظر گرفته شده است.

گفت‌وگو با سرراجر مور

موگابه باعث شرمندگی زندگی من

گاردین، فاطمه عسگری آزاد: سر راجرمور در لندن به دنیا آمد. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ وارد هالیوود شد. پس از آنکه به عنوان جیمزباند شناخته شد، در هفت فیلم این نقش را بازی کرد. این گفت‌وگو درباره آخرین علایق این بازیگر است.

بزرگ‌ترین ترس دوران زندگیت چه بوده است؟
راه رفتن روی صحنه در حالی‌که نمی‌توانم حتی یک خط از دیالوگم را به خاطر آورم.

از کدام خصلت‌تان بیشتر متاسف هستید؟
شکسته‌نفسی‌ام.

کدام خصلت دیگران بیش از همه آزارتان می‌دهد؟
حرص و آز.

گران‌ترین کالایی که در زندگی‌تان خریدید چه بود؟
اتومبیل رولز رویس در اواسط دهه ۷۰.

باارزش‌ترین مایملک‌تان چیست؟
باتری قلبم.

اگر می‌توانستید یک قدرت خارق‌العاده داشته باشید، چه چیزی را انتخاب می‌کردید؟
بلند شدن از روی صندلی بدون فشار زانو یا کمردرد.

تا به حال به کسی دروغ گفته‌ای که دوستت دارم؟
تنها به مدیر بانکی‌ام.

چه کسی در زندگی‌تان شما را خوار کرده؟ چرا؟
موگابه (Mugabe) او یک هیولاست.

اگر می‌توانستید به گذشته برگردید، کجا دوست داشتید بروید؟
به دوران کودکی‌ام تا همراه پدر و مادرم استیک بخورم.

کدام کلمه را بیش از حد استفاده می‌کنید؟
لطفا

چگونه خودتان را آرام می‌کنید؟
شنا، راه رفتن، خواندن و فیلم دیدن.

نزدیک‌ترین لحظات‌تان به مرگ چه زمانی بوده است؟
سرطان و بیماری قلبی‌ام باعث شده تا به حال چندین بار احساس کنم که مرگ به من خیلی نزدیک شده، اما بسیار خوش‌شانس بودم که جان سالم به در بردم.

چه چیز ویژه‌ای زندگی‌تان را بهتر می‌کند؟
یک زانوی جدید.

بزرگ‌ترین دستاورد زندگی‌تان چه بوده است؟
مشارکتم در ۲۰سالگی با یونیسف.

مهم‌ترین درسی که زندگی به تو آموخته چیست؟
سپاس‌گزار باشم.

کلبه کوچک من

افق مطلق آگاهی (۶۴)

اردشیر خرمنکوب

■ دریچه دویست‌وشانزدهم سوره بقره را اگر بگشاییم، به سه تابلو بر می‌خوریم. تابلوهای دوم و سوم همان است که مرا به ذکر این مقدمه مشتاق کرده‌اند. اولی این است: «و عسی آن تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی آن تحبوا شیئا و هو شر لکم = چه بسا چیزی را دوست ندارید، حال آنکه خیر و صلاح شما در آن است. یا چیزی را دوست دارید، حال آنکه برای شما شر است.» در این آیه خداوند به درون انسان دست می‌برد و یکی از خصلت‌های مکرر بشری او را بیرون می‌کشد و آن را با افق مطلق آگاهی خود در می‌آمیزد. «تکرهوا» و «تحبوا» نشان از افق انسانی دارند و «خیر و شر» از افق خدایی خبر می‌دهند. فصل مشترک آنچه که انسان می‌خواهد و آنچه که خدا خبر دارد، «فردا»ست. یعنی درست همان چیزی که معمای بشری است. اما خدا در این میان، یک ناظر بی‌طرف نیست. که تنها به تماشای هول و هراس و اشتیاق بنده‌اش بسنده کند. بلکه مثل یک دوست صمیمی و آگاه و توانمند، دست روی دل مضطرب دوستش می‌گذارد و به او می‌گوید: عزیز من، نترس. این چیزی که از آن می‌ترسی، ظاهرش ترسناک است. باطنش پر از خوبی و خیر است. دستت را به من بده و برخیز. یا به او می‌گوید: چیزی که با این همه اصرار و تمنا از من می‌خواهی، به نفع تو نیست. من می‌بینم که دو روز دیگر، پشیمان می‌شوی. زیاد اصرار نکن. تو، عقل و شعورت را به‌کار بینداز و مابقی کارها را به خود من بسپار. من خدای توام. خدایی که خالق فرداست، فردا، در مشت من است. به من اعتماد کن. می‌خواهی نشانت دهم که میلیاردها انسان عجول و ناشکیبا، مثل تو، چیزهایی از من می‌خواسته‌اند که اصلا به نفع‌شان نبوده؟ و وقتی به آن دست یافته‌اند، سخت پشیمان شده‌اند؟ یا از چیزی در هراس بوده‌اند که اگر همت می‌کردند و دست به انجام آن می‌بردند، پرنده پیروزی با آنان بود؟

ادامه دارد

تلویزیون ایران ۵۳ ساله شد

ممیزی‌های سلیقه‌ای و بی‌توجهی به مخاطب

۵۳ سال پیش مثل امروز، یازدهم مهر ۱۳۳۷ ساعت پنج بعدازظهر روز جمعه بود که نخستین برنامه تلویزیونی ایران از فرستنده دو کیلوواتی با سیستم ۵۲۵ خطی که بالای ساختمان هتل هیلتون نصب شده بود؛ به خانه ایرانی‌ها آمد. شاید هیچ‌کدام از کسانی که آن روز این امواج را به خانه‌های چند صد نفر پایتخت‌نشین روانه کردند، گمانش را هم نداشتند روزی این امواج عضوی از اعضای خانواده‌ها شود. حالا هفت‌شبکه رسمی داخلی و هفت‌شبکه بین‌المللی کنار شبکه‌های تازه‌واردی که هر روز به تعداد آنها اضافه می‌شود، آن فرستنده کوچک را به مجموعه بزرگی تبدیل کرده که در انحصار دولت است. اما هر چقدر این مجموعه گسترده‌تر می‌شود، حساسیت‌های آن هم گسترش می‌یابد. حساسیت‌هایی که در سال‌های اخیر شکل‌های عجیب و غریبی گرفته است و به جای سختگیری به محتوا، بیشتر تحت‌تاثیر جوی است که در حاشیه فیلم‌ها قرار می‌گیرد. موضوع مهمی که وجود دارد، این است که تلویزیون ایران به عنوان رسانه ملی هنوز برای فیلم‌هایی که از شبکه‌های مختلف پخش می‌شود هیچ محدودیتی ندارد و درجه‌بندی سنی در آثاری که از این رسانه پخش می‌شود، وجود ندارد. همین موضوع در چند ماه گذشته باعث بروز مشکلاتی شده است. نمونه زنده‌اش خودکشی دوپسر نوجوان بعد از دیدن مجموعه‌های ماورایی ماه مبارک رمضان بود.

ممیزی‌های سلیقه‌ای مشکل هنرمندان

یکی از مشکلاتی که در سال‌های اخیر گریبان تلویزیون را گرفته ممیزی و سختگیری است که بعد از ساخت مجموعه‌های تلویزیونی به آنها گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد که یک قانون مصوب در این مجموعه وجود ندارد. در سال‌های اخیر کارگردانان سرشناسی راه جام‌جم را پیش گرفته‌اند و مجموعه‌های تلویزیونی ساخته‌اند. مجموعه‌هایی که به جز یکی، دو تای آنها همه با مشکل روبه‌رو شده است. فیلمنامه‌نویسان، منتقدان و تهیه‌کنندگان محتاط بودن مدیران گروه فیلم و سریال برای ساخت مجموعه‌های متفاوت و فراهم نبودن شرایط مالی مساعد را مشکلات برنامه‌سازان تلویزیونی می‌دانند.

حسن فتحی و محمدرضا هنرمند، دو کارگردانی بودند که با توجه به پیشینه خوب ساخت چندین مجموعه موفق در چند سال گذشته، دست به ساخت آثار تلویزیونی زدند. اما دو مجموعه آشپزباشی و تلخ و شیرین این دو کارگردان با ممیزی زیادی روبه‌رو شد. این اتفاق البته در زمان پخش مجموعه در مسیر زاینده‌رود به کارگردانی حسن فتحی هم رخ داد. نکته قابل توجه در ممیزی این آثار و آثار دیگری که در چند سال گذشته به تیغ ممیزان رسانه ملی سپرده شده بیشتر از آنکه به مضمون فیلم مربوط باشد. هراس مسوولان رسانه ملی از واکنش‌هایی بود که ممکن بود به این رسانه از سوی گروه‌های اجتماعی و قومیت‌های ایرانی به وجود بیاید. در حقیقت مسوولان رسانه ملی به جای مخاطبان خود تصمیم گرفته‌اند و با نگاهی از بالا تصمیم به ممیزی آثار گرفته‌اند. نکته‌ای که باعث شده برخی از برنامه‌سازان این رسانه گمان کنند که با آنها مانند انسان‌های بالغ رفتار نمی‌شود.

حسن هدایت، کارگردان سریال «کارآگاه علوی» معتقد است سنگ بنای صداوسیمای ما از همان اول، چرخه معیوبی بوده که هنوز هم ادامه دارد. او به ایسنا گفته: «یک نمونه آن، این است که تشکیلاتی با این عظمت و حساسیت هفت‌ماه است که بودجه ندارد. »

تلویزیون اینترنتی

این روزها در کنار توسعه شبکه تلویزیونی کشور نخستین شبکه تلویزیونی یکپارچه متعامل ایرانی – منظور تلویزیون اینترنتی - با نام «شیما» به عنوان اولین شبکه تلویزیونی مبتنی بر آی‌پی در ایران راه‌اندازی شد. براساس اخبار منتشر شده درباره شبکه شیما، این شبکه اینترنتی از سوی سازمان صدا و سیمای کشور در ۲۵ مرکز مخابراتی در مناطق دو و هشت مخابرات استان تهران راه‌اندازی شده و به‌زودی تمام سطح شهر تهران و پس از آن در مراکز استان‌ها و سپس در تمامی شهرهای کشور، خدمات این شبکه در دسترس قرار می‌گیرد. البته راه‌اندازی این شبکه در حالی صورت گرفته که سرعت اینترنت در ایران بسیار کم است و مشخص نیست با توجه به تعداد کم کاربران اینترنتی و سرعت پایین اینترنت در ایران، راه‌اندازی چنین تلویزیونی چه شکلی پیدا می‌کند. هرچند تلویزیون ایران هم که راه‌اندازی شد بیش از ۱۰۰مخاطب نداشت. شاید در ۵۳ سال آینده این شبکه اینترنتی همه گیر شود.

طرح: آروین

خجسته کیهان و نویسنده جدید

ایسنا: خجسته کیهان که ترجمه رمان «ناامیدی» ناباکوف و «زندگینامه یوسا» را در انتظار انتشار دارد، از معرفی تئا اوبرت در ایران با ترجمه رمان «همسر ببر» خبر داد. وی گفت: تئا اوبرت، نویسنده این رمان، اهل یوگسلاوی است؛ اما به آمریکا مهاجرت کرده و رمانش را به انگلیسی نوشته است.

معادی و تئاتری دیگر

شرق: پیمان معادی که قرار بود در نمایش «عشق و عالیجناب» بازی کند؛ آذر ماه در بازتولید نمایش «خشکسالی و دروغ» محمد یعقوبی در کنار باران کوثری، به صحنه می‌رود و تمریناتش از دیروز آغاز شده است، محمد یعقوبی کارگردان این اثر آن را سال ۸۸ روی صحنه برده است.

بازگشت فخرالدینی با مهرنوازان

شرق: فروش بلیت‌های کنسرت ارکستر موسیقی مهرنوازان به رهبری فرهاد فخرالدینی که ۲۶ تا ۲۸ مهر در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار می‌شود، از امروز در مراکز فروش آغاز شد.در این کنسرت با خوانندگی سالار عقیلی و تکنوازی کیوان ساکت قطعاتی از ساخته‌های روح‌الله خالقی و ... اجرا می‌شود.

آدونیس، ترانسترومر، موراکامی

بهار عربی و تاثیرگذاری بر نوبل امسال؟

شرق: با آغاز ماه اکتبر و نزدیک شدن زمان اعلام نظر آکادمی علوم سلطنتی سوئد که برگزارکننده سالانه جوایز نوبل است؛ گمانه‌زنی‌ها و شرط‌بندی‌ها برای اعلام برندگان نوبل ادبی به عنوان یکی از مهم‌ترین جوایز این آکادمی آغاز شده است. هرچند بازار گمانه‌زنی بسیار داغ است و هر سال چنین بوده اما این گمانه‌زنی بیشتر یک تفریح است. سال پیش گمانه‌زنی‌ها ترانسترومر را برنده می‌دانست؛ اما ۱۸ عضو آکادمی نوبل جایزه را به ماریو بارگاس یوسا، نویسنده اهل پرو دادند که برخلاف ۱۰ سال گذشته نامش در میان کاندیداها نیامده بود. براساس گمانه‌زنی‌های نشریات مختلف اروپایی و منتقدان ، امسال بخت علی‌احمد سعید ملقب به آدونیس، شاعر منتقد اهل سوریه برای بردن نوبل ادبیات از همه بیشتر و یک به چهار تخمین زده شده است. با اینکه نام آدونیس چند سال گذشته به عنوان کاندیدای اعضای آکادمی علوم سلطنتی سوئد مطرح شده است؛ اما منتقدان اتفاقات جهان عرب که به بهار عربی مشهور است و حوادثی که این روزها در سوریه جریان دارد را در احتمال برنده شدن او دخیل می‌دانند. آدونیس البته در سال جاری توانسته جایزه گوته را به عنوان «مهم‌ترین شاعر عرب دوران ما» از آن خود کند. منتقدان غربی می‌گویند او طی سالیان، تاثیری عمیق بر شعر دنیای عرب گذاشته است. در کنار این شاعر عرب آسیه جبار، رمان‌نویس الجزایری که در دو سال گذشته نامش جزو گمانه‌زنی‌ها مطرح بود نیز با شانس یک به ۱۲ در میان گزینه‌های احتمالی قرار دارد. در صورتی که یکی از این دو جایزه را ببرند؛ بعد از نجیب محفوظ که در سال ۱۹۸۸ این جایزه را برده است، دومین نویسنده عرب خواهند بود که نوبل ادبی را می‌برند. در کنار این دو نام حنیف قریشی، نویسنده پاکستانی انگلیسی نیز نام نویسنده شرقی دیگری است که مطرح شده است. آدونیس، قریشی و جبار یک رقیب بسیار جدی ۸۰ساله دیگر هم دارند، توماس ترانسترومر، شاعر سوئدی که سال گذشته مهم‌ترین بخت این جایزه ادبی بود. کارلوس فوئنتس از اهالی آمریکای جنوبی، پینچن، نویسنده گوشه‌گیر آمریکایی، کو اون، شاعر اهل کره، لِس موری، شاعر استرالیایی، کارتارسکو نویسنده مجارستانی، بندری شاعر نپالی و ساتچیدانانداان شاعر اهل هند و البته هاروکی موراکامی، نویسنده محبوب ژاپنی در رده‌های بعدی این گمانه‌زنی‌ها قرار دارند. البته در چهار سال گذشته هر سال نام موراکامی به عنوان یکی از بخت‌های مهم‌ترین جایزه ادبی جهان مطرح بوده است. اما امسال انتشار کتاب «1Q84» تازه‌ترین کتاب موراکامی که خواب را از کتابفروشی‌های آمریکا گرفته و از دیشب در کتابفروشی‌های انگلستان هم توزیع شده است، می‌تواند بخت او را بالاتر ببرد. هر چند که با توجه به تجربه یوسا به نظر می‌رسد نویسنده محبوب ژاپنی باید زمانی منتظر تلفن آکادمی باشد که نامش در گزینه‌ها نباشد. ای. اس. بیات از بالاترین بخت در میان نویسندگان اهل بریتانیا برخوردار است. اما با این حال به نظر می‌رسد که بخت کم انگلیسی‌زبان‌ها در گرفتن جایزه نوبل به دلیل اعتقاد هوراس انگدال و دیگر اعضای آکادمی نوبل همچنان معتقدند نویسندگان این دو کشور «جاهل» هستند. با این همه هر چند امسال نام پل استر مطرح نیست ، فیلیپ راث، کورمک مکارتی، دن دلیلو و جویس کرول اوتس جزو گزینه‌های هر ساله هستند.البته به این نام‌ها باید نام باب دیلن، خواننده و ترانه‌سرای مشهور را در فهرست بخت‌های نوبل اضافه کرد، هرچند شانس او یک به صد تخمین زده شده است .

دور ایران

■ جمشید هاشم‌پور با اشاره به اینکه توجه به سینمای کودک نباید تنها به ایام جشنواره معطوف شود گفت: سینمای کودک و نوجوان باید جدی گرفته شود و در تولید آثار به نیازهای اصلی این گروه از مخاطبان توجه کند. سینمایی که نتواند مخاطب خود را همراه کند در تولید و اکران رونق نخواهد یافت. سینمای کودک باید بتواند مخاطبان اصلی خود را که خانواده‌ها هستند، دوباره ترغیب کند.

■ تماشای تمامی فیلم‌های منتخب ششمین جشنواره فیلم رضوی که طی روزهای ۱۲ و ۱۳ مهرماه ۱۳۹۰، در سینماسپیده و سالن سینما حقیقت برگزار می‌شود، رایگان اعلام شد.

■ ناشران عدم تبلیغات مناسب را دلیل کم‌رونقی دومین نمایشگاه کتاب دانش‌آموزی عنوان کردند. دومین نمایشگاه کتاب دانش‌آموزی پس از پنج سال به همت انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و در حال برگزاری است. اما این نمایشگاه به‌رغم وسعت مخاطبانش یعنی بیش از ۱۲میلیون دانش‌آموز و ۹۲هزار مرکز فرهنگی با رکود محسوسی در بازدیدکنندگان مواجه بوده است .

■ سایت رسمی اینترنتی کیتارو، خبر اجرای این آهنگساز ژاپنی در ایران را تکذیب کرد. پیش از این عنوان شده بود این آرزوی کیتارو است که در ایران برای پاسداشت صلح بنوازد.

خبر آخر

جایزه برای مستندسازان

■ «پل هگیس» فیلمساز آمریکایی در حرکتی که به گزارش خبرگزاری فارس «دخالتی آشکار به بهانه انسان‌دوستی» عنوان شده، جایزه یک عمر دستاورد حرفه‌ای خود را به شش مستندساز دستگیر شده در ایران اعطا کرد. خبرگزاری فارس به تحلیل این اتفاق پرداخته و چنین روایت کرده است: «حدود ۱۰روز پیش تعدادی از مستندسازان ایرانی به اتهام فعالیت علیه امنیت ملی و فروش آثارشان به رسانه‌های بیگانه‌ای چون بی.بی.سی، دستگیر شدند. از آن‌زمان تاکنون برخی از جشنواره‌های غربی اقدام به دخالت آشکار در امور قضایی کشورمان کرده و به طرق مختلف، مخالفت خود را با دستگیری این افراد اعلام کرده‌اند.» «پل هگیس» نیز در اختتامیه جشنواره زوریخ جایزه افتخاری یک عمر دستاورد حرفه‌ای خود در این دوره از رقابت‌ها را به مستندسازان اعطا کرد! از نظر این خبرگزاری این‌گونه رفتارهای فیلمساز غربی و مقامات جشنواره‌هایی چون «مانهایم هایدلبرگ» و سن‌سباستین تنها یک ژست تبلیغاتی بوده و در پشت پرده آنها دشمنی با انقلاب اسلامی ایران را به حد اعلای خود رسانده‌اند تا آنجا که مدیران جشنواره هایدلبرگ هم درخصوص سیاست‌های جشنواره‌های دیگری چون کن، برلین، تورنتو و... اعلام کرده از این پس فقط فیلم‌هایی را نشان خواهد داد که علیه حکومت ایران باشد، البته برای امنیت سازندگان این فیلم‌ها مراقب است که سازندگان آنها قبلا کشور را ترک کرده باشند. جشنواره فیلم سن سباستین اسپانیا نیز در اقدامی مداخله‌گرانه دستگیری مستندسازان ایرانی را محکوم کرده است.

گزارش تصویری

در ادامه حضور بین‌المللی فیلم «باد و مه» ساخته محمدعلی طالبی، این فیلم به جشنواره «ونکو ور» راه یافت و کارگردان اثر از اکران این فیلم از ۱۴ اکتبر - ۲۲ مهر ماه - در پنج شهر آلمان خبر داد: کمپانی «ارسنال» که پخش بین‌المللی فیلم را برعهده دارد مراسم فرش قرمزی تدارک دیده که خودم هم در آن حضور خواهم داشت.

اصل بودن یکی از آثار داوینچی که تا پیش از این تقلبی شمرده می‌شد، تایید شد. یک استاد دانشگاه آکسفورد که روی این اثر تحقیق می‌کرد این موضوع را تایید کرد و این اثر را متعلق به قرن ۱۵ دانست. این نقاشی که در سال ۱۹۹۸ به قیمت ۸۵۰/۲۱ دلار فروخته شده، می‌تواند میلیون‌ها دلار ارزش داشته باشد. مارتین کمپ، کارشناس تاریخ هنر ادعا کرد که قطعه گمشده کتاب قرن ۱۵ داوینچی را پیدا کرده است.

سینماگران آمریکایی در کنار تظاهرکنندگان نیویورکی قرار گرفتند. دیروز جمعیت زیادی از شهروندان نیویورکی دست به تظاهراتی ضدسرمایه‌داری زدند و در میان آنها هنرپیشگان صاحب‌نامی چون مایکل مور، سوزان ساراندون و«مارک روفالو» به چشم می‌خورد. این جمعیت کثیر از پارک زوکوتی به سمت مناطق پایین منهتن حرکت کردند، اما در پل بروکلین به پلیس برخوردند. نیروهای پلیس نیز به جرم اخلال در ترافیک و سدمعبر، بیش از ۷۰۰ نفر از این تظاهرکنندگان را دستگیر کرد.